

# چشم اندازی مبهم: بازنگری ناکامی پروژه «هر کودک یک لپ تاپ»<sup>۱</sup> (OLPC)

نامانک شاه<sup>۲</sup>

مترجم: وحید عطاران



به کشورهای مختلف جهان، تحقیقاتی درباره فرهنگ نیازهای کودکان آن کشورها صورت گیرد.

یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت این پروژه در توزیع لپ تاپ این بود که دریافت کنندگان لپ تاپها اعتقاد داشتند که این وسیله برای آنها قابل استفاده نیست. هنگام وارد کردن یک فناوری جدید و برای جلوگیری از نتایج جبران ناپذیر باید این عامل را در نظر داشت که آیا آن فناوری برای مردم مناطق در نظر گرفته شده، قابل استفاده است یا نه. کلون ویلگی<sup>۳</sup>، استاد دانشگاه کترین در استرالیا، می گوید: «فناوری مناسب نیاز به آگاهی در مورد فنون و علوم گوناگون، تجزیه و تحلیل دقیق از محیط طبیعی ای که بشر در آن زندگی می کند، و ارزیابی گزینه های جایگزین دارد.»

این تعریف نشان می دهد که قبل از آوردن فناوری جدید به یک منطقه، باید عوامل مختلفی از جمله محیط و خود فناوری در نظر گرفته شود. در پروژه هر کودک یک لپ تاپ، مسئولان دولتی کشورهای در حال توسعه تجزیه و تحلیل دقیقی از مناطق خود انجام ندادند و باعث شکست پروژه هر کودک یک لپ تاپ شدند. در «پروژه هر کودک یک لپ تاپ» فناوری های رقیب ارزیابی نشده بودند. در واقع، این پروژه به گزینه های جایگزین اهمیتی نداد. زمانی که پروژه OLPC آغاز به کار کرد، رقیب جدی نداشت. هر چند که نبود رقیب نمی تواند مناسب بودن یک پروژه را ضمانت کند. با افزایش کلاس های اینتل و کلاس های دیگر که وارد بازاری مشابه پروژه OLPC شدند، دولت ها با

در سال ۲۰۰۵، پروفیسور نیکولاس نگرویونته<sup>۴</sup>، استاد دانشگاه ام آی تی آمریکا، از ایده خلاقانه ای رونمایی کرد که می توانست به میلیون ها نفر در کشورهای در حال توسعه کمک کند؛ ایده لپ تاپ ۱۰۰ دلاری. هدف پروفیسور نگرویونته از توزیع لپ تاپ های ارزان قیمت در میان دانش آموزان فقیر دوره ابتدایی کشورهای در حال توسعه، دسترسی آن ها به مطالب آموزشی و انجام آزمایش های گوناگون با جدیدترین فناوری روز بود. پروفیسور نگرویونته برای تحقق ایده خود مؤسسه «هر کودک یک لپ تاپ»<sup>۴</sup> (OLPC) را تأسیس کرد. برنامه توسعه سازمان ملل متحد و رهبران جهان و رسانه ها از این مؤسسه حمایت کردند. هر چند انتقال لپ تاپها شروع مشکلات بود.

قیمت هر لپ تاپ به ۱۸۸ دلار افزایش یافت و خریداران اولیه دیگر میلی به خرید این گونه لپ تاپها نداشتند و پشتیبانی فناوری از این وسایل به حداقل رسید. در نتیجه این مشکلات، سازمان برنامه توسعه سازمان ملل نتوانست ۱۵۰ میلیون لپ تاپ را تا آخر سال ۲۰۰۷ به فروش برساند. در سال ۲۰۰۹، فقط چند صد هزار لپ تاپ به کشورهای در حال توسعه فرستاده شد. این روزها، منتقدان از پروژه یک لپ تاپ برای هر کودک به عنوان پروژه های شکست خورده یاد می کنند. در این میان، مسئله بررسی دلایل شکست این پروژه اهمیت بسیاری دارد. این مهم، موجب پیشگیری از مشکلات پیش رو در آینده و به هنگام اجرای پروژه های مختلف در رابطه با فاوا در کشورهای در حال توسعه می شود. بدیهی است که باید قبل از انتقال لپ تاپ



## باید به کشورهای در حال توسعه اجازه دهیم که خودشان فناوری را انتخاب کنند تا فناوری در آن کشورها پایدار بماند

انتخاب‌های بیشتری در تعیین نیازهای خود مواجه شدند. به این ترتیب، پروژه OLPC دیگر تنها انتخاب آن‌ها نبود و این افزایش رقابت، نقش زیادی در سقوط و شکست پروژه هر کودک یک لپ‌تاپ داشت. این پروژه توانایی ارزیابی نیازهای کاربران را نداشت و در نتیجه، از رقابت جا ماند. به گفته پروفیسور زکری در دانشگاه آریزونا، فناوری‌ای که به مردم آفریقا تحمیل شده، فناوری نامناسبی است.

منتقدان می‌گویند در آفریقا، مشکلات جدی‌تری مثل ایدز و سوءتغذیه وجود دارد که به مراتب از آموزش مهم‌ترند. تحمیل فناوری به کشورهای در حال توسعه نتایج نامطلوبی دارد که جبران آن‌ها ممکن است دشوار باشد.

ویکتوریا مک آرتور<sup>۱</sup> در کتاب خود می‌نویسد، یک رایانه شخصی با کلمات و اصطلاحات غربی طراحی شده و تعامل با آن برای غربی‌ها امری طبیعی است. هیچ شرکتی نمی‌تواند این سیستم را بدون در نظر گرفتن فرهنگ، وارد جامعه دیگری کند. رایانه برای کسانی طراحی شده است که به زبان انگلیسی حرف می‌زنند یا آشنا هستند. از دکمه‌های صفحه کلید تا پنجره‌های داخل صفحه بارانه، همه به سبک غربی طراحی شده‌اند. این‌ها

نشان می‌دهد که رایانه ابزاری تأثیرگذار برای رواج فرهنگ غربی است. هدف پروژه هر کودک یک لپ‌تاپ، کشورهای در حال توسعه است که فرهنگشان با فرهنگ غربی کاملاً متفاوت است و در نتیجه، نمی‌توانند از کار کردن با لپ‌تاپ‌هایی که غربی‌ها استفاده می‌کنند، سودی ببرند. *امانوئل پوجویوکو* می‌گوید: «طراحی پروژه هر کودک یک لپ‌تاپ برای رواج فردگرایی است اما تحقیقات در روان‌شناسی و مردم‌شناسی تفاوت در خور توجهی میان روند شناخت در غرب و شرق پیدا کرده است. طراحی‌های مخصوص سخت‌افزار و نرم‌افزار لپ‌تاپ‌های (OX) که پروژه OLPC از آن‌ها استفاده می‌کند، زمینه‌ای برای ایدئولوژی غربی فردگرایی فراهم می‌کند که برای مردمانی با فرهنگ متفاوت، که از این لپ‌تاپ‌ها استفاده می‌کنند، قابل درک نیست.

*زاکری*<sup>۲</sup> می‌گوید که باید به کشورهای در حال توسعه اجازه دهیم که خودشان فناوری را انتخاب کنند تا فناوری در آن کشورهای پایدار بماند. او پذیرش تلفن همراه را مثال می‌زند که آفریقایی‌ها خودشان به آن احساس نیاز پیدا کردند و پذیرفتند که از آن استفاده کنند. اتفاق مشابه در مورد لپ‌تاپ‌های عادی افتاد که آفریقایی‌ها به استفاده از آن‌ها احساس نیاز کردند.

پروژه هر کودک یک لپ‌تاپ می‌تواند با بازاندیشی درباره هدف‌های خود و عدم تحمیل لپ‌تاپ‌های مخصوص به کشورهای در حال توسعه، خود را از انتقادات تا حدی دور کند. برای به موفقیت رساندن پروژه هر کودک یک لپ‌تاپ و تناسب آن با محیط‌های متفاوت، لازم است که مسئولان پروژه از تطبیق

میان لپ‌تاپ‌ها و استانداردها و فرهنگ‌های محلی هر منطقه مطمئن شوند. محققان ایتالیایی به این نتیجه رسیده‌اند که راهبرد تلفیق فناوری اطلاعات و ارتباطات برای جلوگیری از تحمیل همه وظایف به لپ‌تاپ برای موفقیت در پروژه مدرسه نوآورانه باید مورد بازبینی قرار گیرد و در زمینه‌های فرهنگی دوباره تطبیق داده شود. با راهبرد فعلی، پروژه هر کودک یک لپ‌تاپ، یعنی دادن لپ‌تاپ‌ها به دولت‌های کشورهای در حال توسعه. بدین ترتیب، بر لپ‌تاپ‌ها باری تحمیل می‌شود که قابلیت تحمل آن را ندارند؛ چون مردم آفریقا خواهان تحولات چشمگیری در محیط خود هستند. تحولاتی که کودکان آن‌ها را توانمند سازد؛ انتظاری که لپ‌تاپ‌های صد دلاری ابزار خوبی برای تحقق آن نیستند.

OLPC نیاز به شناخت بیشتر از گوناگونی کاربران خود دارد تا توانایی خدمت بیشتر به آن‌ها را داشته باشد. برای مثال، براساس نتیجه یکی از تحقیقات اخیر امکان استفاده از لپ‌تاپ به‌عنوان منبع جامع مشترک بین آموزش و پرورش و بهداشت و درمان وجود دارد. هر کودک یک لپ‌تاپ مسالوی با هر کلینیک یک لپ‌تاپ است. در بعضی از کشورهای آموزش جزء اولین گزینه‌های در دستور کار نیست. مشکلاتی از قبیل بیماری و گرسنگی در اولویت قرار دارند و نیازمند توجه ویژه‌اند. بنابراین، از پروژه هر کودک یک لپ‌تاپ باید برای این هدف‌ها هم استفاده شود تا به نحوی بهتر به مردم کمک کند؛ کمکی که لزوماً در کلاس درس نیست. با این کار، از لپ‌تاپ‌های OLPC در بین کودکان کشورهای در حال توسعه استقبال بیشتری می‌شود.

معرفی فناوری جدید در یک منطقه، روند حساسی است و خطایی کوچک می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بار آورد. به‌خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات، اصول فناوری مناسب و فناوری انتخابی می‌تواند موفقیت فناوری‌های جدید را تضمین کند و از نتایج نامطلوب آن‌ها جلوگیری نماید. این مفاهیم نه تنها در پروژه هر کودک یک لپ‌تاپ، بلکه برای پروژه‌های دیگر با هدف کمک به زندگی مردم در کشورهای در حال توسعه قابل اجراست.

این ایده‌ها می‌تواند در راه‌اندازی پروژه‌های مختلف و تضمین موفقیت آن‌ها مفید باشد. فناوری‌های جدید با تجزیه و تحلیل دقیق و شرایط و تطبیق یافتن با فرهنگ‌های محلی، می‌توانند در نیل به اهدافشان کامیاب شوند و در تأسیس جهانی بهتر و مدرن‌تر سهمی بسزا داشته باشند.

### \* پی‌نوشت‌ها

1. A Blurry Vision: Reconsidering the Failure of the One Laptop Per Child Initiative
2. Namank Shah
3. Nicholas Negroponte
4. One Laptop Per Child
5. Kelvin Willoughby
6. Victoria MacArthur
7. Zachary